

خانواده

شرف

۹



سازگاری و ناسازگاری در خانواده ایرانی

راضیه زرگری | مدیریت خانواده ابعاد مختلفی دارد که مدیریت اقتصادی، سرپرستی و نظارت بر فرزندان، تصمیم‌گیری نسبت به ارتباطات خانوادگی و مواردی دیگر را در بر می‌گیرد. قرآن کریم به صراحت از سرپرستی مردان بر زنان در امور خانوادگی سخن گفته و آن را با ویژگی تکوینی مردان مرتبط دانسته است. آموزه‌های متعدد روایی نیز با صراحت به مسئولیت‌های زن و مرد در این رابطه توجه کرده‌اند. مرد نمی‌تواند بار مدیریت خانواده را از دوش خود بردارد و آن را به زن واگذار کند. مرد علاوه بر آن که مسئول تأمین هزینه‌های خانواده است، مدیریت اقتصادی خانواده را هم برعهده دارد و زن با کاهش هزینه‌های اقتصادی می‌تواند همسر خویش را یاری دهد. اگر چه گاهی سرپرستی مرد تا حد تأمین هزینه‌های زندگی و موضوع تمکین خاص، تقلیل می‌یابد، اما واقعیت این است که سرپرستی خانواده در حوزه‌های مختلف را در بر می‌گیرد. از این رو است که مرد سرپرستی و مدیریت امور فرزندان را نیز برعهده دارد و تصمیم‌گیری زن در مورد فرزندان، صرفاً با آن زن شوهر و به‌عنوان نماینده او است و به‌عنوان مثال، زن نمی‌تواند در اموال فرزندان بدون رضایت همسر تصرف کند. به زن توصیه شده است که کانون اقتدار خانواده را به رسمیت شناخته، شوهر خویش را تکریم کند و در غیر معصیت خدا او را نافرمانی نکند. حتی اگر شوهر بدخلق هم باشد، زن نباید با گفتار و رفتار او را آزرده و خشمگین نماید. بیشترین افرادی که برگردن مرد حق دارند والدین او و بیشترین کسی که برگردن زن حق دارد همسر او است.

در مقابل مسئولیت‌هایی نیز بر دوش مرد قرار دارد که برخی از آنها از حقوق زن بر مرد است و برخی دیگر توصیه‌های اخلاقی و نشانه‌ای از کارآمدی مرد در خانواده است. مرد نمی‌تواند از تأمین هزینه‌های اقتصادی خانواده خالی کند و تمام یا بخشی از آن را برعهده همسر خود بگذارد. تأمین هزینه‌ها توسط زن در غیر از موارد ضروری، مطلوبیتی هم ندارد. وظیفه حمایت ناموس‌سی از زن و گذشت از خطاهای وی برعهده مرد است، اکرام همسر، دلسوزی نسبت به او، تحمیل نکردن کارهای سنگین بر او، مدارا و خوش‌صحبتی یا او از جمله مواردی است که مرد به انجام آنها دعوت شده است.

عیب‌جویی

کسی که همسر خود را به بدجنسی و عیب‌جویی متهم می‌کند پیشاپیش راه منفی را برگزیده است. ممکن است همسر شما آدم متوقعی باشد، اما با صفت بستن به او امکان حل و فصل مسأله را منتفی می‌کند. واقعیت این است که طرز برخورد زن و شوهر با مسائل و روابط موجود میان آنها بستگی دارد. اگر نسبت به رفتار ناخوشایند همسر تان واکنش ناخوشایند نشان دهید، او نیز به احتمال زیاد متقابلاً در مقام تلافی با شما برخورد منفی خواهد کرد. در این شرایط، آنچه مسأله می‌شود رابطه‌ای است که میان شما وجود دارد. در برخی مسائل اگر شخصیت زن و مرد مکمل یکدیگر باشد مسأله‌ای بروز نمی‌کند.

یکی از موانع مهم بهبود در ازدواج‌های ناموفق، تمایل زن و شوهر به این است که به شخصیت یکدیگر انواع و اقسام صفات منفی را نسبت می‌دهند (خودخواه، متکبر، ظالم، و...) و از کنار رفتارهای مثبت هم‌بپی تفاوت می‌گذرند. نکته مهم این است که عادات، خصوصیات و حساسیت‌های اشخاص، آنها را آسیب‌پذیر می‌سازد و طرز تلقی‌های آنها اغلب مسأله‌ساز می‌شود. زنی که به خود مطمئن نیست و نمی‌داند تا چه اندازه مورد پذیرش دیگران قرار می‌گیرد، زنی که از ارزش‌ها و صلاحیت خود بی‌اطلاع است، تحت تأثیر طرز تلقی‌های غیرواقعی بی‌ثباته خود را بیش از حد به دیگران می‌چسباند. شوهری که بی‌جهت می‌ترسد تحت سلطه قرار گیرد، یا هر اقدامی که نشان از کنترل شدن و مورد سوءاستفاده قرار گرفتن داشته باشد، بر خود خصمانه می‌کند.

از آن گذشته، شخصیت‌های زن و شوهر عوامل تعیین‌کننده هستند. در برخی مسائل اگر شخصیت زن و مرد مکمل یکدیگر باشد، مسأله‌ای بروز نمی‌کند. یک مرد خودمختار، با یک زن ملایم می‌تواند به خوبی کنار بیاید. مشکل زمانی بروز می‌کند که خصوصیات زن و شوهر با هم مطابقت نمی‌کند، اما حتی در این موارد، مشکل در رابطه است و به ندرت می‌توان نقشی را به گردن خود یا شوهر انداخت. در این شرایط، تغییر

یک طرف معادله، طرف دیگر را هم متحول می‌کند. یکی از موانع مهم بهبود در ازدواج‌های ناموفق، تمایل زن و شوهر به این است که به شخصیت یکدیگر رفتارهای مثبت هم‌بپی تفاوت می‌گذرند. وقتی همسر خود را به یک صفت منفی متهم می‌کنید، راه پیشرفت را روی حل مسائل خود می‌بندید. حمله به خصوصیات یکدیگر، با ایجاد ضدحمله، وضع را از آنچه هست بدتر می‌کند و در نتیجه، خصومت ابعاد وسیع‌تری می‌یابد. مثلاً، وقتی یکی دیگری را یک سخلخته تمام عیار می‌نامد و او نیز همسر خود را لجاج خطاب می‌کند، امکان حل مسأله از همان آغاز منتفی می‌شود. با تبدیل این گله‌گذاری‌ها به مسائل قابل حل، می‌توانید اقداماتی برای حل و فصل آنها به عمل آورید. مثلاً علی‌به‌عنوان شروع حرکت می‌توانست لباس‌های کثیف خود را به جای آن که روی صندلی یا کف اتاق بیندازد، در سطل مخصوص لباس‌های شستنی قرار دهد و مریم هم می‌توانست زمان مشخصی برای خوابیدن بچه‌ها در نظر بگیرد.

این رفتارهای ساده می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای روی شریک زندگی بر جای بگذارد. می‌توانید طرز تلقی نامیدی را به امید مبدل سازید: «گر بخواید زن و شوهر با هم مطابقت نمی‌کند، اما حتی در این موارد، مشکل در رابطه است و به ندرت می‌توان نقشی را به گردن خود یا شوهر انداخت. در این شرایط، تغییر

جلوه دهید، حتی تغییرات جزئی می‌تواند انگیزه‌های برای بهبود روابط شما فراهم آورد.

عصبانیت و غرور

وقتی شما عصبانی هستید نه صدای دیگری را می‌شنوید و نه به چیز دیگری می‌اندیشید، پس اگر با عصبانیت همسر تان از کوره در رفتید، راه به جایی نخواهید برد. وقتی مشکلی پیش می‌آید قرار نیست تمام مشکلات گذشته زندگی خود را ابتدا تاکنون را دوباره مرور کنید، زیرا این کار جز تخریب رابطه میان شما و همسر تان نتیجه‌ای نخواهد داشت.

مشاوران خانواده معتقدند در بسیاری موارد ممکن است نظر شما مخالف عقیده همسر تان باشد. بپذیرید که هر کس حق دارد عقیده و فکر خود را داشته باشد. نظر خود را بیان کنید اما نه به صورتی که انگار در حال نقد همسر تان هستید. اگر مخالف عقیده همسر تان هستید با آرامش نظر تان را بیان کنید. مهم نیست که چه کسی درست می‌گوید و چه کسی غلط، زیرا قرار نیست در زندگی مشترک هر وقت بحثی به وجود می‌آید یک طرف در نهایت برنده باشد و نفر دیگر بازنده

تمام مشکلات گذشته زندگی خود را ابتدا تاکنون را دوباره مرور کنید، زیرا این کار جز تخریب رابطه میان شما و همسر تان نتیجه‌ای نخواهد داشت.

گاهی اوقات همسران فراموش می‌کنند که قرار

نیست دایماً به یکدیگر فرمان دهند. گاهی اوقات جملات دایماً امری می‌شود. بد نیست که در خواسته‌هایمان از کلمه «لطفاً» نیز استفاده کنیم، زیرا هیچ‌یک از ما از دیگری طلبکار نیستیم. در ضمن از راه‌های گوناگون و از طریق کلامی نیز به همسر تان نشان دهید که او را دوست دارید و شیرینی دوام این رابطه برای شما اهمیت دارد.

حتی وقتی از دست او دلخور هستید نیز کمی تمایل پیدا کنید شمارانیز راضی نگه‌دارد. البته غرور چیز بدی نیست اما در خانه و خانواده بهتر است کمی غرور تان را پایین بیاورید و اگر نه به منزله مانعی برای طرف مقابل تلقی می‌شود که احساس می‌کند باید از روی آن بپرد و به عبارت دیگر حالت دفاعی و سرسختی او را افزایش می‌دهد.

تمام مشکلات گذشته زندگی خود را ابتدا تاکنون را در ضمن از راه‌های گوناگون و از طریق کلامی نیز به همسر تان نشان دهید که او را دوست دارید و شیرینی دوام این رابطه برای شما اهمیت دارد.

خودپر تربیتی

خانواده به‌عنوان زیربنای جامعه از جایگاه ویژه‌ای

برخوردار است، زمانی که زن و مرد در زندگی مشترک، با آگاهی از خصوصیات جنس مخالف تصمیم‌بگیرند، قطع بر یقین زندگی زناشویی از دوام بیشتری برخوردار خواهند بود.

وقتی ازدواج فقط بر مبنای احساس و علاقه شکل گرفته شود و تشکیل زندگی قبل از شناخت کافی، یکی از پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری ناهنجاری در خانواده‌های تازه شکل گرفته، به‌شمار می‌رود. آسیب‌ها و معضلات زناشویی موجب بروز پدیده «طلاق» می‌شود، اما به راستی تا چه حد برای رفع مشکلاتی که به‌طور طبیعی گریبانگیر زندگی زناشویی می‌شود، تلاش شده است؟

طلاق موجب محروم شدن فرزندان از نعمت خانواده شده و این موضوع به جامعه نیز سرایت می‌کند، در نتیجه فرزندان وارد اجتماع می‌شوند که کمبودهای زیادی در آنها وجود دارد، بیشترین آسیب‌ها و ضربه‌های روحی به فرزندان منتقل شده و این اختلافات بر مرور زمان ریشه‌گیری می‌شود.

خانواده از جایگاه و اهمیت بسیار زیادی در جامعه برخوردار است که برقراری یک ارتباط سالم زناشویی، موجب کاهش مشکلات در این نهاد می‌شود. آسیب‌های اجتماعی که به واسطه امر طلاق به‌وجود می‌آید، نه‌تنها متوجه خانواده‌هاست، بلکه به جامعه دوستی‌های کاذب حتی برای زنان و مردان متأهل آینده‌به‌شمار می‌رود.

مواردی شامل نداشتن تفاهم، چشم‌وهم‌چشمی، تعصب و خودپر تربیتی، عدم بلوغ اجتماعی و اقتصادی از جمله مواردی است که در جامعه به‌وفور مشاهده می‌شود، اگر دختر و پسر قبل از تشکیل زندگی مشترک، سطح آگاهی خود را از این معضلات بالا ببرند، قطع بر یقین شاهد رشد نهاد خانواده خواهند بود.

خودپر تربیتی به‌عنوان بزرگ‌ترین آفت زندگی مشترک، موجب بروز مشکلات زیادی در زندگی زناشویی می‌شود. فرد خود را از دیگران برتر دیده و این امر باعث سرکوفت زدن و زیر سوال بردن شخصیت زن و مرد خواهد شد.

گاهی زن و مرد بدون در نظر گرفتن جنبه‌های مثبت، دچار تشدید عوامل منفی در زندگی شده و باز هم طی مرور زمان امر طلاق نمایان می‌شود. امروزه گسترش انواع شبکه‌های اجتماعی و مجازی، بیشترین وقت جوانان و نوجوانان را به خود اختصاص داده است، اگر به‌عمق موضوع توجه کنیم، شاهد بروز دوستی‌های کاذب حتی برای زنان و مردان متأهل هستیم.

یکی از راهکارهای مهار اختلافات زناشویی، استفاده از مشاوره قبل از ازدواج است، این امور تحت تأثیر عواملی قرار دارند که به نوعی در پیشگیری اختلافات دخیل هستند.

اگر ازدواج را رعایت حقوق دوطرفه بدانیم و زندگی زناشویی را بر پایه تفاهم و اخلاق حسنه شکل دهیم، می‌توان با اطمینان کانون گرم خانواده را تشکیل داد.

